

لیلی و مجنون

نظامی گنجوی

با تصحیح و تفسیر و شرح
دکتر محمد روشن



- ♦ سرشناسه: روشن، محمد، ۱۳۱۲ -
- ♦ عنوان قراردادی: لیلی و مجنون، شرح.
- ♦ عنوان و نام پدیدآور: لیلی و مجنون / نظامی گنجوی؛ با تصحیح و تحشیه و شرح محمد روشن.
- ♦ مشخصات نشر: تهران: صدای معاصر، ۱۳۹۳.
- ♦ مشخصات ظاهری: ۳۴۹ ص.
- ♦ شابک: 978-600-6298-50-4
- ♦ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- ♦ موضوع: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰؟-۶۱۴؟ ق. لیلی و مجنون - نقد و تفسیر: شعر فارسی، قرن ۶ ق - تاریخ و نقد.
- ♦ شناسه افزوده: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰؟-۶۱۴؟ ق. لیلی و مجنون - شرح.
- ♦ رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ل ۹ / ۹۰۱۳۰ PIR
- ♦ رده‌بندی دیویی: ۸۶۱/۲۳
- ♦ شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۹۰۷۸۳



- نام کتاب ♦ لیلی و مجنون
نویسنده ♦ نظامی گنجوی
با تصحیح و تحشیه دکتر محمد روشن
نوبت چاپ ♦ نخست، ۱۳۹۴
شمارگان ♦ ۸۰۰ جلد
طرح جلد ♦ کاوه حسن بیگلو
لیتوگرافی ♦ صدف
چاپ ♦ مهارت
صحافی ♦ لاری
شابک ♦ ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۸-۵۰-۴
ISBN ♦ 978-600-6298-50-4
قیمت ♦ ۲۵,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

دفتر نشر: انقلاب، خیابان دانشگاه، شماره ۶۸، واحد ۸
تلفن ۶۶۹۷۸۵۸۲ _ ۶۶۹۷۹۳۵۱
فروشگاه مرکزی: فلکه دوم تهرانپارس، خ جشنواره، شماره ۲۲۹
تلفن ۷۷۷۳۱۶۱۱ _ ۷۷۷۰۲۷۶۸
پایگاه اینترنتی: www.sedayemoaser.com

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه مصحح در احوال نظامی گنجوی
۱۴	شیوه تصحیح لیلی و مجنون
۱۷	به نام یزدان پاک
۲۱	در نعت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم
۲۳	در معراج رسول (صلی الله علیه و سلم)
۲۷	گفتار اندر برهان قاطع در اثبات آفرینش
۲۷	[آغاز برهان]
۳۲	گفتار اندر سبب نظم کتاب و کیفیت حال
۳۷	اندر مدح خاقان اعظم شروان شاه اخستان بن منوچهر
۴۲	گفتار اندر خطاب زمین بوس
۴۴	سپردن نظامی فرزند خویش به فرزند شروان شاه
۴۶	در حق خویش گوید و شکایت بعضی از منکران
۴۹	گفتار اندر عذر شکایت
۵۰	گفتار اندر نصیحت کردن فرزند خود، محمد نظامی
۵۲	[خوبی کم گوئی]
۵۲	یاد کردن بعضی از گذشتگان و استخلاص جستن
۵۲	بعضی از ماندگان
۵۳	یادآوری از پدر
۵۳	یاد مادر خود، رئیسه کرد
۵۴	یادآوری از خال خود، خواجه عمر

۵۴	یاد از همدمان رفته و همدمی با دیگران
۵۵	[فراموشی از پیکر و جسم]
۵۵	[فراموشی از سرافرازی]
۵۶	[فراموشی از عمر رفته]
۵۶	در افتادگی و فروتنی
۵۶	تمثیل
۵۷	[به ترک خدمت پادشاهان گفتن]
۵۸	به رزق و کار کسان دست اندازی نباید کرد
۵۸	[خرسندی و قناعت]
۵۹	با نشاط خدمت به خلق کردن
۶۰	افتادگی جوی تا بلند شوی
۶۰	در خلوت به سخن سرایی بپرداز
۶۱	آغاز داستان
۶۶	عاشق شدن لیلی و مجنون به یکدیگر
۶۸	در صفت عشق مجنون
۷۱	رفتن مجنون به نظاره لیلی
۷۳	رفتن پدر مجنون به خواستگاری لیلی
۷۶	زاری کردن مجنون در عشق لیلی
۸۲	بردن پدر، مجنون را به خانه کعبه
۸۵	آگاهی پدر مجنون از قصد قبيلة لیلی
۸۹	پند دادن پدر مجنون را
۹۲	جواب دادن مجنون، پدر را
۹۳	حکایت
۹۵	در احوال لیلی
۹۹	به تماشا شدن لیلی به نخلستان
۱۰۲	زاری کردن لیلی به تنهایی
۱۰۴	خواستن ابن سلام لیلی را و جواب یافتنش بر بی مرادی
۱۰۶	آشنا شدن نوفل با مجنون
۱۱۱	مستغاث کردن مجنون در حق لیلی

۱۱۲	مصاف کردن نوفل با قبیله لیلی به هواخواهی مجنون
۱۱۸	عتاب کردن مجنون با نوفل در بازگشتن از مصاف
۱۱۹	مصاف کردن نوفل بار دیگر با قبیله لیلی و ظفر یافتن
۱۲۶	باز خریدن مجنون آهوان را از صیاد و آزاد کردن
۱۲۹	[بازخریدن مجنون گوزنان را از صیاد]
۱۳۲	رسیدن مجنون در پای آن درخت که زاغ بود
۱۳۵	دیدن مجنون آن زن را که رسن در گردن مرد کرده بود
۱۳۹	دادن [پدر] لیلی را به زنی این سلام
۱۴۳	بردن این سلام لیلی را به خانه خود
۱۴۵	آگاهی یافتن مجنون از شوهر کردن لیلی
۱۴۸	اندر شکایت کردن مجنون با خیال لیلی
۱۵۲	پند دادن پدر مجنون را
۱۵۸	گفتار اندر عذر خواستن مجنون از پدر
۱۶۰	گفتار اندر وداع کردن پدر مجنون
۱۶۴	گفتار اندر خبر یافتن مجنون از وفات پدر و رفتن به سرگور او و زاری کردن
۱۶۸	اندر صفت حال مجنون با ددگان در کوه و بیابان
۱۷۱	حکایت
۱۷۴	نیایش کردن مجنون به درگاه خدای تعالی
۱۷۹	نیایش مجنون با زهره
۱۸۰	نیایش مجنون با مشتری
۱۸۰	نیایش مجنون به درگاه یزدان
۱۸۱	در صفت بشارت لیلی به مجنون
۱۸۷	نامه نوشتن لیلی به مجنون
۱۹۱	[نامه] نوشتن مجنون [در] جواب نامه لیلی
۱۹۸	[آمدن سلیم عامری خال مجنون]، به دیدن او
۲۰۱	حکایت
۲۰۲	[دیدن مادر، مجنون را]
۲۰۵	خبر یافتن مجنون از وفات مادر
۲۰۸	پیغام فرستادن لیلی پیش مجنون و خواندن

۲۱۳	غزل گفتن مجنون در حضور لیلی به نخلستان
۲۱۹	آمدن سلام بغدادی به دیدن مجنون
۲۲۱	پاسخ مجنون به سلام بغدادی
۲۲۵	صفت بزرگواری مجنون در کوه و بیابان با ددگان
۲۲۷	قصه زید و وفا نمودن در حق مجنون «افسانه زید و زینب»
۲۲۴	اندر وفات یافتن ابن سلام، شوهر لیلی
۲۳۹	خبر یافتن مجنون از وفات ابن سلام، شوهر لیلی
۲۴۲	اندر نیایش کرهن لیلی با خدای عزوجل
۲۴۳	رسیدن لیلی و مجنون به یکدیگر به طریق عصمت
۲۵۵	اندر صفت خزان و فصل بهار و [درگذشتن لیلی]
۲۵۷	وصیت کردن لیلی به مادر خود
۲۵۷	به جهت نگه داشتن مجنون
۲۵۹	[وفات یافتن لیلی]
۲۶۳	خبر دادن زید مجنون را از وفات لیلی
۲۶۹	مرثیه مجنون بر سر قبر لیلی
۲۷۱	آمدن سلام بغدادی به دیدن مجنون بار دوم
۲۷۴	وفات یافتن مجنون بر سر تربت لیلی
۲۷۸	[آگاهی قبیله مجنون از وفات وی]
۲۸۰	در خواب دیدن زید لیلی و مجنون را
۲۸۳	ختم کتاب به نام شروانشاه
۲۸۹	فهرست نام کسان و ...
۲۹۵	نسخه بدلهای متن لیلی و مجنون
۳۴۱	امثال و حکم

کاری کنیم ورنه خجالت برآوریم
روزی که رختِ جان به جهان دگر بریم

مقدمه مصحح در احوال نظامی گنجوی

۵۳۵-۶۱۴ ه. ق.

جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید از استادان و ناموران ادب و شعر فارسی است که عموم تذکره‌نویسان او را حکیم دانسته‌اند. مادر نظامی چنان‌که خود اشاره کرده، از نژاد کرد بوده است. زادگاه وی را گنجه دانسته‌اند و خود در اشعار خود بدین نکته تصریح کرده است. نظامی ظاهراً به سفری نرفته و تمام عمر را در زادگاه خود گنجه سپری کرده است. تاریخ ولادت نظامی نامعلوم است. دایرة‌المعارف فارسی به سرپرستی دانشمند بزرگ دکتر غلام‌حسین مصاحب، زادن وی را به سال ۵۳۵ ه. ق. دانسته است، و دکتر صفا در تاریخ ادبیات در ایران خود وی را زاده ۵۳۰ یا اندکی پس از آن یاد کرده است، زیرا نظامی به هنگام سرودن مخزن‌الاسرار، نخستین منظومه از خمسة خود از سال ۵۴۰ سخن رانده است و گویا هنوز به چهل سالگی نرسیده بوده.

نظامی از شاعران هم‌عصر خود تنها از خاقانی یاد می‌کند که با او دوستی داشت و بعد از فوت آن استاد به سال ۵۹۵ ه. ق. در مرثیت او گفته است:

همی گفتم که خاقانی دریاگوی من باشد دریا من شدم آخر دریاگوی خاقانی
مدفن و گورگاه نظامی در گنجه بوده که روزگارانی روی به ویرانی نهاده بوده، و در نظام شوروی، از سوی دولت محلی آذربایجان بازسازی و مرمت شد. از پادشاهان هم‌عصر نظامی نصرالدین ابوجعفر محمد جهان پهلوان، طغرل بن ارسلان و قزل ارسلان بوده‌اند که در مقدمه پاره‌ای از منظومه‌های خود آنان را ستوده است. افزون بر اینان با شروانشاهان نیز روابطی

می‌داشته است و لیلی و مجنون خود را به نام ابوالمظفر اخستان بن منوچهر ساخته است. نظامی از دانش‌های رایج روزگار خود، علوم ادب و شعر و نجوم و زبان و ادبیات عرب آگاهی تام و تمام داشته است، و این خصوصیت از منظومه‌های وی به روشنی دریافت می‌شود.

شاهکار بی‌مانند نظامی خمره یا پنج گنج است که در قلمرو داستان‌های غنایی بی‌همتا است، و او را باید پیشوای سرایش این گونه شعرها در ادب فارسی دانست. مثنوی نخستین از پنج گنج مخزن الاسرار است، که شمار ابیات آن به حدود ۲۲۶۰ بیت در بحر سریع است که نظامی آن را به نام فخرالدین بهرامشاه بن داود پادشاه ارزنگان که از متابعان قلیچ ارسلان پادشاه سلجوقی آسیای صغیر بود، ساخته است؛ بنابراین آنچه که ابن بی‌بی در مختصر سلجوقنامه آورده فخرالدین بهرامشاه در برابر این تحفه ادبی پنج هزار دینار و پنج سر استر راهوار نظامی را جایزه فرمود. مختصر ابن بی‌بی. ص ۲۲.

مخزن الاسرار در حدود سال ۵۷۰ هجری قمری ساخته شده، و از نمونه‌های درخشان مشتمل بر مواظ و حکم است. مثنوی دوم نظامی خسرو و شیرین است. نظامی این منظومه را به سال ۵۷۶ به پایان برده است. منظومه خسرو و شیرین در ۶۵۰۰ بیت به بحر هزج مسدس مقصور و محذوف است که درباره عشق‌بازی خسرو پرویز شهریار با شیرین، پریروی ارمنی، که فرهاد نیز بدو دل داده بود ساخته، و به اتابک شمس‌الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز (۵۶۸-۵۸۱) تقدیم داشته است؛ و پس از سال ۵۷۶ نیز نظامی در آن تجدیدنظری کرده است، و افزون بر جهان پهلوان، نام طغرل بن ارسلان سلجوقی (۵۷۳-۵۹۰ ه.ق.) و قزل ارسلان بن ایلدگز (۵۸۱-۵۸۷ ه.ق.) نیز در این منظومه آمده است. مثنوی سوم: لیلی و مجنون است که نظامی آن را به سال ۵۸۴ ه.ق. سروده، و خود بدان اشاره می‌کند:

تاریخ عیان که داشت با خود هشتاد و چهار بعد پانصد

این چار هزار بیت اکثر شد گفته به چار ماه کمتر

مثنوی دیگر بهرام‌نامه یا هفت پیکر یا هفت گنبد است که شاعر به سال ۵۹۳ ه.ق. به نام علاءالدین کرب ارسلان پادشاه مراغه در ۵۱۷۰ بیت ساخته است. این منظومه درباره بهرام گور (بهرام پنجم ساسانی: ۴۲۰-۴۸۳ میلادی)، از قصه‌های معروف دوره ساسانی است. پنجمین مثنوی نظامی از پنج گنج، اسکندرنامه است. این منظومه در ۱۰۵۰۰ بیت و شامل دو بخش است که نظامی بخش نخست را شرفنامه و دومین را اقبال‌نامه نامیده است، و داستان مربوط به اسکندر است. کتاب شرفنامه را نظامی به نام اتابک اعظم نصره‌الدین ابوبکر بن محمد

جهان پهلوان از اتابکان آذربایجان درآورده است و بدو تقدیم کرده است؛ ظاهراً تاریخ به پایان بردن اسکندرنامه ۶۰۷ هـ.ق. است. نظامی در منظومه شرفنامه آنچه از داستان اسکندر پسر فیلقوس را که فردوسی ناگفته گذاشته بود به رشته نظم درآورده است.

شرفنامه حاوی داستان اسکندر از ولادت تا فتح ممالک و بازگشت به روم است، و در اقبالنامه سخن از علم و حکمت و پیامبری اسکندر و مجالس او با حکمای بزرگ و پایان زندگانی وی و انجام روزگار حکمایی است که با او مجالست داشته‌اند. نظامی بنابر ابیاتی که در اسکندرنامه دیده می‌شود در نظم این داستان قصد پیروی از فردوسی داشت، و درحقیقت کار خود را دنباله کار آن استاد در داستان اسکندر از شاهنامه قرار داد، و با آنکه در بعضی از موارد خواست به مقابله استاد طوس رود، اما با همه استادی و توانایی خویش نتوانست در آن موارد با آن شاعر چیره‌دست زبان‌آور همسری کند، و شگفتی در آن است که گاه عیناً فکر یا لفظ راهنمای خود را نقل کرده است.

نظامی از شاعرانی است که بی‌شک باید او را در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست. وی از شمار آن سخنگویانی است که مانند فردوسی و خاقانی و سعدی و حافظ توانست به ایجاد یا تکمیل سبک و روشی خاص توفیق یابد. اگرچه داستانسرایی در زبان فارسی به وسیله نظامی آغاز نشده، و چنانکه دیده‌ایم از آغاز ادب فارسی سابقه داشته است و شاعرانی چون فخرالدین اسعد گرجانی با سرودن ویس و رامین در این زمینه پیش گام بوده‌اند، لیکن تنها شاعری که تا پایان سده ششم توانست این نوع از شعر یعنی شعر تمثیلی Dramatique را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند، نظامی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند در هر مورد، و تصویر جزئیات و نیروی تخیل و قدرت در وصف و ایجاد مناظر دلنشین و ریزه‌کاری در توصیف طبیعت و اشخاص و احوال و به کار بردن تشبیهات و استعارات مطبوع و نو، در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است. خرده‌ای که بر سخن او می‌گیرند آن است که به خاطر یافتن معانی و مضامین نو گاه چنان در او هام و خیالات غرق می‌شود و برای ابداع ترکیبات جدید گاه چندان با کلمات بازی می‌کند که خواننده آثار او باید به دشواری بعضی از ابیات وی را که اتفاقاً شمار آنها کم نیست درک کند. ضمناً این شاعر بنا بر عادت اصل زمان از آوردن اصطلاحات علمی و لغات و ترکیبات عربی وافر و بسیاری از افکار فلاسفه و اصول و مبانی فلسفه در علوم عقلی به هیچ روی کوتاهی نکرده است، و به همین سبب آثار او حکم دایرةالمعارفی از علوم و اطلاعات مختلف را داراست که در بعضی

موارد چنان دشوار و پیچیده شده است که جز با شرح و توضیح قابل فهم نیست. لیکن حق آن است که بگوییم این شاعر سلیم الفطره دقیق النّظر در عین مبالغه در استفاده از اطلاعات ادبی و علمی خود، و با افراط در تخیل و مبالغه در ایجاد ترکیبات نو، ملاحظاتی در سخن و لطافتی در بیان و علوی در معانی دارد که این نقص و نقائص از آن قبیل را به کلی از نظر خواننده پنهان می‌سازد.

شیوه تصحیح لیلی و مجنون

سألهای بلندی است که خواستاران و دوستاران نظامی برای برخورداری از پنج گنج وی ناگزیر به تنها متن رایج و موجود در بازار کتاب، از خمسة تصحیح مرحوم حسن وحید دستگردی سود می‌جویند، و این بهره‌یابی چندان ریشه دوانیده است که دانشورانی که در ارائه متنی نو از پنج گنج اهتمام می‌وروند و کوششی مبذول می‌دارند با یادکرد نام وحید دستگردی و اصلاح اغلاط چاپی کتاب، پنداری پشتوانه‌ای برای ارائه این متن گرانقدر و بی‌همانند نظامی باز می‌یابند، و از این اصل و آگاهی باز می‌مانند که با جستجوی فهرست‌های گوناگون از کتابخانه‌های بزرگ ایران و جهان می‌توان با شناخت و دسترسی به نسخه‌هایی کهن از این منظومه زیبا و یکتای زبان فارسی، یعنی پنج گنج نظامی، به ارائه متنی نو بر مبنای روش جدید و دلپذیر تصحیح متون دست یازید.

از این روی چون از من خواسته شد که در نشر منظومه‌های خمسة نظامی متنی فراهم سازم، به فهرست‌های کتابخانه‌ها باز نگریستم و دو نسخه کهن از پنج گنج فراهم آوردم:

۱- خمسة نظامی. چاپ عکسی از نسخه خطی مصور مورخ ۷۱۸ ه.ق. بنیاد دایرة المعارف اسلامی. مرکز انتشار نسخ خطی. تهران. ۱۴۰۹ ه.ق - ۱۳۴۸ ه.ش. این نسخه با ۱۷ تصویر رنگی از مجالس نگارین پنج گنج که نسخه آن با شماره ثبت ۵۱۷۹ از آن دانشگاه تهران است و در فهرست از آن یاد شده. بخش نخست آن اسکندرنامه است که در آن نخست شرفنامه آمده است... پس از آن اقبال‌نامه یا خردنامه اسکندری که به نام عزالدین مسعود پسر ارسلان پادشاه می‌باشد... دومین بخش آن هفت پیکر است؛ سومین آن لیلی و مجنون. تاریخ کتابت این نسخه در هفت پیکر سال ۷۱۸ ه.ق. ثبت شده است.

۲- نسخه دانشگاه تهران که مورخ به سال ۷۵۰ ه.ق. است و نسخه‌ای به نسبت مضبوط است.

نکته‌ای که شایان بررسی و توجّه است، شماری بیت‌های بلند و دلپذیر است که در چاپ مرحوم وحید دستگردی - دکتر سعید حمیدیان، و دیگر نظامی‌پژوهان الحاقی شمرده شده است؛ و جای خوشوقتی است که در متن چاپی آن بیت‌ها را به حروف نازک در متن منظومه آورده‌اند. آنان که با شیوه سخن نظامی آشنایی دارند، از این داوری به شگفتی درمی‌مانند. شیوه کار وحید و گزینش او، مبنای علمی ندارد. آن فقید از تعرفه نسخه اساس خود هیچ نمی‌گوید. چاپ‌کنندگان پنج گنج نظامی چشم فرو بسته، متن او را بارها با نام او به چاپ رسانیده‌اند، و هیچگاه بر آن نشده‌اند از گنجینه‌های نسخ خطی - در ایران یا خارج - نسخه‌ای فراهم سازند و به نقد و نظر نسخه‌ها بپردازند! چشم بسته استنباط‌های ناپخته و ناسخته و غلط آن مرحوم را به چاپ می‌رسانند! برای نخستین بار من بنده با به دست آوردن نسخه‌های کهن به تصحیح انتقادی منظومه بلند پنج گنج پرداخته است. بی‌گمان دانشوران نسخه‌شناس به‌ویژه آنان که با سحرآفرینیهای استاد گنجه آشنایی دارند، از نقد و نظر باز نمی‌مانند و نارساییهای کار را باز خواهند نمود و مرا سپاسدار خویش خواهند فرمود. در مقابله این متن و شرح نسخه بدلها و تصحیح مطبعی از همکاریهای همسرم شکوه‌بانو اداره‌چی گیلانی بهره‌وری یافته‌ام و سپاسگزار ایشانم. از اهتمام آقای محسن محمدی مدیریت نشر صدای معاصر نیز امتنان دارم.

والعاقبة للمتقين.

محمد روشن. تهران

شهریورماه ۱۳۹۲